

The Evolutionary Trajectory of Divine Oaths in the Realm of Eschatology Based on the Tanzili (Revelation Order) Interpretation

Marzieh Abdoli Masinan¹, Neda Khakbaz²

Received: August 25, 2025 . Accepted: December 10, 2025

Abstract

This research, adopting the approach of Tanzili interpretation (interpretation based on the chronological order of revelation) and grounded in qualitative content analysis, investigates the evolutionary trajectory of Quranic oaths concerning the Resurrection (ma'ad). The main objective of the research is to explain how the function and educational message of these oaths transformed throughout the historical stages of the Quran's revelation. Accordingly, by categorizing the verses into four consecutive periods of revelation, the gradual process of establishing belief in the Day of Judgment and its educational role in the formation of the faithful community has been analyzed. In the early Meccan stage, oaths are accompanied by natural phenomena such as the moon, night, and day to lead the audience who deny the Resurrection, through signs of creation, to accept the possibility of resurrection. In the middle Meccan stage, the focus of the oaths shifts from nature to divine Lordship (rububiyyah) and the governance of the system of creation, with the Resurrection being introduced as a necessary requirement of monotheism (tawhid). In the early Medinan stage, the oaths centered on Lordship become the underpinning for the realization of justice and social order, and faith in the Resurrection is introduced as a factor for moral responsibility and social action. Finally, in the late Medinan stage, with the consolidation of faith and the institutionalization of the principle of Resurrection, we witness the elimination of direct oaths; because the Islamic community has reached ideological maturity and has moved beyond the stage of epistemic persuasion. The combination of the three criteria of "stage of revelation," "type of audience," and "rhetorical purpose" demonstrates that Quranic oaths are purposeful tools in the path of gradually educating humanity, from the stage of denial to the stage of social action. The evolutionary trajectory of oaths related to the Resurrection reflects the Quran's educational wisdom in guiding humanity step by step: from rational invitation to belief in the Resurrection, to constructing a faithful identity, and then to organizing society based on the justice of the hereafter. The gradual elimination of oaths at the end of the revelation indicates the complete firmness of faith and the transition from the realm of theoretical persuasion to the domain of social realization of divine teachings.

Keywords: Oath, Tanzili Interpretation (Revelation–Order Exegesis), Quranic Oaths, Eschatology, Afterlife Eschatology.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran (Corresponding Author); u.abddoli@gmail.com.

2. Fourth-level seminary student in Quranic Sciences and Teachings, Zeinabiya Specialized Seminary School (S.A.), Alborz, Iran; nassr5kb@gmail.com.

المسار التحوّلي لأنواع القسم الإلهي في مجال المعاد الأخرى على أساس التفسير التنزيلي

مرضية عبدلی مسینان^۱

ندا خاكباز^۲

تاریخ الاستلام: ۳ شهریور ۱۴۰۴ هـ. ش . تاریخ القبول: ۱۹ آذر ۱۴۰۴ هـ. ش

الملخص

يتناول هذا البحث، اعتماداً على منهج التفسير التنزيلي وبالاستناد إلى تحليل المحتوى الكيفي، دراسة المسار التطوّري لأنواع القسم القرآني المتعلّق بالمعاد. ويتمثّل الهدف الرئيس للبحث في تبين كيفية تغيّر وظيفة هذه الأقسام ورسالتها التربوية عبر المراحل التاريخية لنزول القرآن الكريم. وبناءً على ذلك، ومن خلال تصنيف الآيات في أربع مراحل متتالية للنزول، جرى تحليل عملية التثبيت التدريجي للإيمان بالقيامة ودورها التربوي في تشكيل المجتمع الإيماني. في المرحلة المكيّة الأولى، تقتزن الأقسام بظواهر طبيعية كالقمر والليل والنهار، بهدف هداية المخاطب المنكر للمعاد عبر دلائل الخلق إلى الإقرار بإمكان البعث. أمّا في المرحلة المكيّة الوسطى، فينتقل محور الأقسام من الطبيعة إلى الربوبية الإلهية وتديبر نظام الكون، ويُعرض المعاد بوصفه مقتضى ضرورياً للتوحيد. وفي المرحلة المدنيّة الأولى، تصبح الأقسام الربوبية سنداً لتحقيق العدالة والنظام الاجتماعي، ويُقدّم الإيمان بالقيامة بوصفه دافعاً للمسؤولية الأخلاقية والفعل الاجتماعي. وأخيراً، تشهد المرحلة المدنيّة الأخيرة - مع ترسخ الإيمان وتوطيد مبدأ المعاد - اختفاء الأقسام المباشرة؛ إذ يكون المجتمع الإسلامي قد بلغ مرحلة النضج العقيدى وتجاوز طور الإقناع المعرفي. ويُظهر الجمع بين ثلاثة معايير هي: «مرحلة النزول»، و«نوع المخاطب»، و«الغرض البلاغي»، أن الأقسام القرآنية تمثّل أدوات هادفة في مسار التربية التدريجية للإنسان، من مرحلة الإنكار إلى مرحلة العمل الاجتماعي. إنّ المسار التطوّري للأقسام المرتبطة بالمعاد يكشف عن الحكمة التربوية للقرآن في هداية الإنسان خطوةً بخطوة؛ من الدعوة العقلانية إلى الإيمان بالمعاد، إلى بناء الهوية الإيمانية، ثم تنظيم المجتمع على أساس العدالة الأخروية. كما أنّ الحذف التدريجي للأقسام في أواخر النزول يُعدّ دليلاً على رسوخ الإيمان الكامل والانتقال من حيّز الإقناع النظري إلى مجال التحقق الاجتماعي للتعاليم الإلهية.

الكلمات المفتاحية: القسم، التفسير التنزيلي، الأقسام القرآنية، علم المعاد، المعاد الأخرى.

۱. أستاذ مساعد في قسم المعارف، جامعة طهران للعلوم الطبية، طهران، إيران (المؤلف المسؤول)؛ u.abddoli@gmail.com.

۲. طالبة الحوزة، في مرحلة الدكتوراه في العلوم والمعارف القرآنية، المدرسة العلمية التخصصية الزينية (سلام الله عليها)، البرز، إيران؛ nassr5kb@gmail.com.

سیر تحولی سوگندهای الهی در حیطه معادشناسی اخروی بر اساس تفسیر تنزیلی

مرضیه عبدلی مسینان^۱

ندا خاکباز^۲

تاریخ دریافت: ۳ شهریورماه ۱۴۰۴ . تاریخ پذیرش: ۱۹ آذرماه ۱۴۰۴

چکیده

هدف مقاله بررسی سیر تحولی سوگندهای قرآنی درباره معاد و تبیین چگونگی تغییر کارکرد و پیام تربیتی این سوگندها طی مراحل تاریخی نزول قرآن است. در این مقاله با رویکرد تفسیر تنزیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای، با دسته‌بندی آیات در چهار دوره متوالی نزول، فرایند تدریجی تثبیت باور به قیامت و نقش تربیتی آن در شکل‌گیری جامعه ایمانی واکاوی شده است. در مرحله مکی آغازین، سوگندها با پدیده‌های طبیعی مانند ماه، شب و روز همراه‌اند تا مخاطب منکر معاد را از راه نشانه‌های خلقت به پذیرش امکان رستاخیز برسانند. در مرحله مکی میانی، محور سوگندها از طبیعت به ربوبیت الهی و تدبیر نظام آفرینش منتقل می‌شود و معاد به عنوان اقتضای ضروری توحید معرفی می‌گردد. در مرحله مدنی آغازین، سوگندهای ربوبی پشتوانه تحقق عدالت و نظم اجتماعی می‌شوند و ایمان به قیامت عامل مسئولیت اخلاقی و کنش اجتماعی معرفی می‌گردد. در نهایت، مرحله مدنی پایانی، با تثبیت باور ایمانی و نهادینه شدن اصل معاد، شاهد حذف سوگندهای مستقیم است؛ زیرا جامعه اسلامی به بلوغ عقیدتی رسیده و از مرحله اقناع معرفتی عبور کرده است. ترکیب سه معیار «مرحله نزول»، «نوع مخاطب» و «غرض بلاغی» نشان می‌دهد سوگندهای قرآنی ابزارهایی هدفمند در مسیر تربیت تدریجی انسان از مرحله انکار تا مرحله عمل اجتماعی می‌باشند. سیر تحولی سوگندهای مرتبط با معاد، بیانگر حکمت تربیتی قرآن در هدایت مرحله به مرحله انسان است؛ از دعوت عقلانی به باور معاد تا ساخت هویت ایمانی و سپس سامان‌دهی جامعه بر پایه عدالت اخروی. حذف تدریجی سوگند در پایان نزول، نشانه استواری کامل ایمان و گذار از حوزه اقناع نظری به قلمرو تحقق اجتماعی آموزه‌های الهی است.

واژگان کلیدی: سوگند، تفسیر تنزیلی، سوگندهای قرآنی، معادشناسی، معادشناسی اخروی.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ u.abddoli@gmail.com.

۲. طلبه سطح چهار علوم و معارف قرآنی، مدرسه علمیه تخصصی زینبیه (س)، کرج، ایران؛ nassr5kb@gmail.com.

مقدمه

معاد، از اصول اساسی اسلام، در قرآن با ابزار بلاغی سوگند به تدریج تبیین شده است. این سوگندها با تأکید بر حتمیت قیامت، مسئولیت‌پذیری انسان و جزای اعمال، نقش کلیدی در باورپذیری و جهت‌دهی اخلاقی مخاطبان ایفا می‌کنند. رویکرد تنزیلی نیز به عنوان روشی پژوهشی در مطالعات قرآنی، با به کارگیری چهارچوب «ترتیب نزول»، امکان پیگیری سیر تکاملی مفاهیم قرآن را در بستر تاریخی صدر اسلام فراهم می‌سازد.

بررسی سیر تحولی سوگندهای قرآنی در موضوع معاد از آن رو اهمیت دارد که نشان می‌دهد قرآن چگونه بر اساس تحول مخاطبان و شرایط اجتماعی، آموزه بنیادین معاد را به تدریج از سطح اقناع ذهنی به سطح تربیت اخلاقی، هویت‌سازی ایمانی و سامان‌دهی اجتماعی منتقل کرده است. سوگندهای الهی در این فرایند، یکی از ابزارهای اصلی انتقال پیام بوده و نقش مهمی در بیدارسازی وجدان، هشداردهی، امیدبخشی و تثبیت ایمان ایفا کرده‌اند.

شناخت این سیر تحولی، ما را در فهم حکمت تربیتی قرآن یاری می‌کند؛ اینکه چگونه خداوند مباحثی همچون ربوبیت، مسئولیت‌پذیری، رابطه عمل و جزا، و حقایق غیبی را در زمان مناسب و متناسب با ظرفیت روانی مخاطب طرح کرده است. از این منظر، تحلیل سوگندهای معاد، بخشی از نظام حکیمانه هدایت الهی را آشکار می‌سازد و ضرورت پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

در میان تفاسیر سنتی، آثار ارزشمندی مانند تفسیر المیزان و تفسیر کبیر، به تحلیل محتوایی این سوگندها و کارکرد آنها در اثبات حقیقت معاد پرداخته‌اند. در سیر تکامل روش‌های تفسیری، رویکرد تنزیلی به عنوان گامی نوین ظهور کرد. در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری، پیشگامانی مانند سید عبدالقادر ملا حویث در بیان المعانی و محمد عزه دروزه در التفسیر الحدیث، برای نخستین بار به تدوین تفسیر بر اساس ترتیب نزول همت گماردند. این جریان در دوره معاصر با تألیف آثاری مانند سیر تحول قرآن از مهدی بازگان و سپس درس‌نامه تفسیر تنزیلی و همگام با وحی از عبدالکریم بهجت‌پور به بلوغ روشمند دست یافت.

در کنار این تلاش‌ها، پژوهش‌های موضوعی متعددی نیز به بررسی سوگندهای قرآنی پرداخته‌اند؛ آثاری مانند تحلیلی بر سوگندهای قرآن از محمد فاکر میبیدی، سوگندهای پربار قرآنی از ابوالقاسم علیان‌نژادی و پژوهش روش‌های نهادینه کردن باور به معاد در تربیت دینی از حسین شریفی و محمد داودی، از جمله این کوشش‌ها به شمار می‌روند. اما آنچه نوآوری این تحقیق محسوب می‌شود، عبارت است از:

- الف) استخراج سوگندهای مرتبط با معاد و تفکیک آنها از سوگندهای مربوط به جزای دنیوی؛
 ب) تحلیل تنزیلی سوگندها در چهار مرحله تاریخی نزول؛
 ج) ترکیب سه معیار: مرحله نزول، نوع مخاطب، غرض بلاغی و موضوع جزئی معاد؛
 د) تبیین علت کاهش یا حذف سوگندها در مراحل پایانی نزول؛
 هـ) ارائه الگوی تحول گفتمان معاد از اقناع معرفتی تا هویت سازی و سپس نظام سازی.

۱. چهارچوب نظری بحث

تبیین واژگان کلیدی موضوع، پیش شرط ورود به هر بحث علمی است؛ لذا پیش از ورود به سیر تحولی سوگندها در حیطه معادشناسی، به اجمال، به تنقیح واژگان کلیدی بحث و اصول و مبانی روش تفسیر تنزیلی اشاره می‌کنیم:

۱-۱. معادشناسی معاد

معاد در لغت، مصدر میمی و اسم زمان و مکان از ماده «عود» به معنای بازگشتن است. در قرآن کریم واژه «معاد» تنها یک بار به کار رفته است: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ بی‌گمان همان کسی که [تبلیغ و عمل به] قرآن را بر تو واجب کرد، تو را [با افتخار و سربلندی] به جایگاهی که در گذشته داشتی (شهر مکه) بازمی‌گرداند» (قصص: ۸۵). در این آیه نیز معاد در معنای لغوی آن استعمال شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۹۴ و سبحانی، ۱۳۸۷ب، ص ۱۵).

معاد از اصول بنیادین ایمان اسلامی است که به زندگی پس از مرگ و حسابرسی الهی اشاره دارد. همه انسان‌ها پس از مرگ زنده می‌شوند و به اعمالشان جزا داده می‌شود. ایمان به معاد، شرط مسلمانی است و انکار آن، کفر به شمار می‌رود. همه پیامبران الهی، پس از دعوت به توحید، مردم را به باور به معاد فراخوانده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۷ب، ص ۱۵).

۲-۱. معنای لغوی قسم (سوگند) در زبان عربی

«قسم به معنای سوگند است و جمع آن اقسام می‌باشد» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۸۶). الْقَسْم، بخش کردن و قسمت کردن بهره و نصیب است؛ مثلاً گفته می‌شود: فَسَمْتُ، یعنی تقسیم کردم. أَقْسَمَ، یعنی سوگند خورد که اصلش از قسامه است (یعنی توزیع سوگندهای تقسیم شده میان اولیای مقتول)؛ سپس آن را در مطلق قسم خوردن به کار گرفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۷۰-۶۷۱).

۳-۱. معنای اصطلاحی قسم (سوگند) در زبان عربی

«قسم کلامی است که خبر را تأکید می‌کند و آن را به صورت محقق قرار می‌دهد» (طوسی، بی تا، ج ۱۰، ص ۱۹۰). «قسم عبارت است از قسمتی از کلام که به واسطه آن، خبر تأکید می‌شود، به نحوی که آن را به صورت حق و درست جلوه می‌دهد و از خلاف واقع میرا می‌سازد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۴۰).

خداوند در قرآن به موجودات والا مانند ذات پاک خود، قیامت، فرشتگان، خورشید و ماه سوگند یاد کرده که گرچه بی‌نیاز از سوگند است، اما این سوگندها هدف مهمی دارند؛ مانند تأکید بر اهمیت موضوع و نشان دادن عظمت آنچه به آن قسم خورده شده است. هیچ‌کس به چیز کم‌ارزش سوگند نمی‌خورد و در بعضی سوره‌ها، حتی تا یازده بار سوگند تکرار شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۱۶).

سوگندهای الهی اغلب مقدمه‌ای برای بیان مسئله معاد است، جز در موارد معدودی که با مسئله توحید و غیر آن مربوط می‌شود. نکته اینکه محتوای این سوگندها ربط خاصی با محتوای رستاخیز دارند و با ظرافت و زیبایی مخصوصی این بحث مهم را از جوانب گوناگون تعقیب می‌کند (همان، ج ۲۲، ص ۳۰۶).

۲. مبانی و اصول تفسیر تنزیلی

بهجت پور، مبانی تفسیر تنزیلی را به دو بخش مشترک و اختصاصی تقسیم می‌کند:

۲-۱. مبانی مشترک

پیش‌فرض‌هایی هستند که جهت‌گیری و روش هر مفسر را شکل می‌دهند؛ مانند الهی بودن الفاظ قرآن، عصمت پیامبر (ص) در دریافت و ابلاغ وحی، عدم تحریف، تفسیرپذیری قرآن، جواز تفسیر توسط غیرمعصوم، وجود ظاهر و باطن، جاودانگی و جامعیت قرآن، وحدت یا تنوع قرائت، حجیت ظواهر، نبود تناقض و انسجام مفهومی.

۲-۲. مبانی اختصاصی

این مبانی اختصاصی که مشروعیت و قوام این سبک به آنها وابسته است، از این قرارند:

۲-۱-۲. روش تفسیر تنزیلی بر اساس سیره معصومان (ع)، ترتیب نزول و توجه به مصحف امام علی (ع)

این روش، تنها یک بررسی تاریخی نیست؛ بلکه بر پایه سیره عملی معصومان (ع) در ارائه تدریجی

معارف و نیز توجه به ترتیب نزول و حتی گزارش‌هایی درباره مصحف امام علی (ع)، که بر اساس ترتیب نزول تنظیم شده بود استوار است. تفسیر تنزیلی در دیدگاه بهجت‌پور، با الهام از این مبانی، در پی کشف نظم تربیتی و هدایتی قرآن است.

۲-۲-۲. هماهنگی قرآن با فطرت: هدایت فرازمانی از مسیر تاریخ

قرآن هرچند در بستر تاریخی خاص نازل شد، اما مخاطب اصلی آن فطرت انسانی است. همین توجه به فطرت، پیام قرآن را جهان‌شمول می‌سازد. نزول تدریجی و تغییر جامعه جاهلی، یک الگوی تربیتی حکیمانه را نشان می‌دهد که برای هدایت همه جوامع در همه اعصار، قابل اقتباس است. بنابراین، تفسیر تنزیلی با کشف این الگو، امکان تطبیق آن را با شرایط متغیر بشری فراهم می‌کند.

۲-۲-۳. حکیمانه بودن محتوا و نظم نزولی: تدریج، یک سنت تربیتی الهی

نزول تدریجی قرآن صرفاً یک اتفاق تاریخی نیست؛ بلکه حکمتی الهی دارد که با اهداف هدایت و تربیت انسان‌ها گره خورده است. این تدریج، نشان‌دهنده سنت الهی در هدایت بشر است. تفسیر تنزیلی با واکاوی این ترتیب، قوانین و سنت‌های تربیتی قرآن را استخراج می‌کند که فراتر از زمان و مکان هستند.

۲-۲-۴. شمول پیام قرآن: پاسخ همزمان به عصر نزول و همه اعصار

تفسیر تنزیلی صرفاً بازخوانی تاریخ نیست؛ بلکه ابزاری برای شناخت دقیق‌تر مفاهیم قرآنی است. این روش نشان می‌دهد که قرآن چگونه همزمان پاسخ‌گوی نیازهای جامعه عصر نزول بود و خطاب‌ی جهانی برای همه انسان‌ها دارد. از این منظر، فهم زمینه‌های نزول، نه تنها قرآن را تاریخی نمی‌کند، بلکه جهان‌شمولی عملی آن را آشکار می‌سازد.

۲-۲-۵. هدایت محوری: کشف الگوی عملی تربیت تدریجی

هدف اصلی تفسیر تنزیلی، کشف الگوی هدایت و تربیت است. با بررسی ترتیب نزول، چگونگی اجرای تدریجی اهداف هدایتی در جامعه عصر نزول تحلیل می‌شود و الگویی کاربردی برای تطبیق این اهداف با شرایط مختلف جوامع بشری ارائه می‌گردد. این نگاه، تفسیر تنزیلی را از یک روش صرفاً تاریخی به ابزاری برای استخراج نظام تربیتی قرآن ارتقا می‌دهد.

۲-۲-۶. گفتاری بودن زبان قرآن: کلید فهم و تطبیق جهان‌شمول

زبان گفتاری و خطاب‌ی قرآن، که با مخاطبان اولیه هماهنگ بود، محدودکننده نیست؛ بلکه کلید فهم جهان‌شمولی آن است. تفسیر تنزیلی با بازسازی فضای نزول، این گفتار را در بستر خود فهم و

سپس الگویی کاربردی استخراج می‌کند که نشان می‌دهد چگونه می‌توان پیام قرآن را با نیازهای متغیر بشر در هر عصر تطبیق داد. این فرایند، پویایی و حیات دائمی قرآن را تضمین می‌کند.

اصول روش‌شناختی تفسیر تنزیلی نیز بر اساس این مبانی استوار شده است که عبارت‌اند از:

- اولویت تربیت: تفسیر باید باهدف تربیت انسان صورت گیرد؛
- تدریج در تربیت: تناسب نزول تدریجی با نیاز مخاطبان؛
- عدم تعارض با توقیفیت ترتیب سوره‌ها: تفسیر تنزیلی، تنها ترتیب نزولی سوره‌ها را بررسی می‌کند، نه آیات درون سوره‌ها را؛
- نقد پسندگی به اجتهاد در ترتیب نزول: تأکید بر استناد به نقل تاریخی معتبر، نه صرف اجتهاد؛
- توقیفیت ترتیب آیات در سوره‌ها: چینش آیات، تحت نظارت پیامبر (ص) و اراده الهی؛
- درنهایت، تفسیر تنزیلی معتبر، چینش طبیعی آیات را حفظ کرده است و تنها ترتیب نزولی سوره‌ها را تغییر می‌دهد، بدون آنکه به نظم آیات درون سوره‌ها خدشه وارد کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۹، ص ۴۷-۲۰۲).

۳. فهرست ترتیب نزول

یکی از چالش‌های محوری در تفسیر تنزیلی، دستیابی به جدولی متقن از ترتیب نزول سوره‌های قرآن است. روایات تاریخی مربوط به ترتیب نزول سوره‌ها، متعدد و گاه دارای اختلاف هستند. ارزیابی سند این روایات و میزان اعتبار منبع نقل، نقش مهمی در افزایش اتقان مبنای تنزیلی دارد؛ به‌گونه‌ای که اگر جدول نزولی به امام معصوم (ع) یا صحابی مورد اعتماد منسوب باشد، اولویت با همان روایت خواهد بود. اما در مواردی که چند جدول معتبر وجود داشته باشد، ملاک دآوری نهایی، تحلیل محتوایی و گفتمانی سوره‌ها است؛ یعنی با سنجش پیام، مضمون و سیاق هر سوره، نزدیک‌ترین جدول به واقع تعیین می‌شود. باین حال باید توجه داشت که جدول‌های معتبر ترتیب نزول، دارای حجم بالایی از اشتراکات قطعی هستند و همین اشتراک‌ها امکان بازسازی ترتیب سوره‌های مورد اختلاف را تا حد زیادی فراهم می‌سازد. از رهگذر این اشتراک‌ها و تحلیل محتوایی سوره‌ها، می‌توان با «حدس قوی و مستند»، جایگاه تنزیلی سوره‌های اختلافی را تعیین کرد (همان، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۹۲-۹۳).

به گفته بازرگان، تفسیر قرآن بر پایه ترتیب نزول واقعی آیات تا پیش از زمان او امکان‌پذیر نبود؛ زیرا جداول ترتیب نزول سوره‌ها که در منابع کهن وجود داشت، باهم ناسازگار بودند و از نظر تاریخی و سندی، اعتماد عمومی نداشتند. (بازرگان، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۱۲). از نظر شاکر، هم

پژوهشگران غربی با روش‌های اجتهادی و هم محققان مسلمان باتکیه بر روایات، نتوانسته‌اند به فهرستی واحد دست یابند. باین حال، برای کاهش اختلافات موجود می‌توان از معیارهای تکمیلی مانند محتوای سوره‌ها، سبک بیانی و آیات تاریخ‌دار بهره جست (شاگر، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵). بهجت‌پور در این زمینه اقداماتی انجام داده و در کتاب خود اذعان داشته که امیدوار است با این اقدام، به جدول صحیح ترتیب سوره‌ها نزدیک شده باشد (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۸). در این نوشتار، به جدول ترکیبی که در کتاب همگام وحی (تفسیر تنزیلی) توسط بهجت‌پور بیان شده است، استناد می‌شود (همان، ص ۱۱۹-۱۲۵).

۴. روش تحول در قرآن

روش تحول در قرآن دارای یک سیر عمومی و یک سیر موضوع است. سیر عمومی، روش تحول را به صورت عام و کلان در جامعه معاصر نزول پی می‌گیرد و سیر موضوع، روش تحول در یک موضوع خاص را دنبال می‌کند.

مطابق با آیه ۲۹ سوره فتح، نزول (۱۱۲): «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ... كَزَّعِ أَعْرَجٍ شَطَاهُ فَأَزْرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ»، محمد (ص) و کسانی که با او هستند مانند یک نهال، چهار مرحله رشد را طی می‌کنند: ابتدا جوانه خود را ظاهر می‌کنند (اخراج شطاه)؛ سپس نیرو می‌گیرند (فازره)؛ در ادامه، غلیظ و ستر می‌شوند (فاستغلظ)، و در نهایت، مستقر می‌شوند و می‌ایستند (فاستوی علی سوقه).

۴-۱. سیر عمومی روش تحول در قرآن

الف) دوره هویت‌یابی؛ از سوره علق (نزول ۱) تا حجر (نزول ۵۴): آغاز دعوت پیامبر به صورت علنی، اما فعالیت تازه مسلمانان، مخفی است.

ب) دوره قوت‌گیری؛ از سوره انعام (نزول ۵۵) تا مطففین (نزول ۸۶): مسلمانان آشکار می‌شوند، جامعه دوقطبی می‌شود و روابط با کافران تنظیم می‌گردد.

ج) دوره غلیظ شدن؛ از سوره بقره (نزول ۸۷) تا فتح (نزول ۱۱۲): هجرت پیامبر (ص) به مدینه، شکل‌گیری جامعه اسلامی و ورود آموزه‌های دینی به زندگی مؤمنان.

د) دوره استقلال؛ با سوره‌های ما قبل آخر (نزول ۱۱۳-۱۱۴): سال‌های پایانی حیات پیامبر (ص) و تمهیدات برای دوران پس از وحی (بهجت‌پور و نظریان، ۱۴۰۰، ص ۵۷).

۲-۴. سیر موضوعی در روش تحول سوگندهای الهی در حیطه معاد باتوجه به ترتیب نزول

(الف) هویت ایمانی فردی (سوره‌های علق تا حجر): ایمان به معاد، محور شکل‌گیری هویت ایمانی و باور قلبی به عدالت الهی است.

(ب) کنش‌گری اجتماعی (انعام تا مطففین): باور به معاد، رفتار و التزام عملی مؤمنان را در اصلاح جامعه و رعایت حقوق دیگران هدایت می‌کند.

(ج) تشکیل جامعه و حکومت اسلامی (بقره تا فتح): معاد، پشتوانه مشروعیت حکومت و اجرای عدالت اجتماعی است.

(د) توسعه و گسترش دعوت اسلامی (مائده و توبه): آموزه‌های معاد، زمینه مرزبندی اعتقادی، استمرار هویت امت و پایایی جامعه پس از پیامبر (ص) را فراهم می‌کنند، بدون سوگند مستقیم.

۵. الگوی تحلیلی تحول معاد بر پایه سیر نزول و بسامد سوگندها

مرحله نزول	تعداد و ویژگی سوگندها	محور معاد	کارکرد اصلی
آغازین مکی	دوازده سوگند و متنوع	اثبات معاد، عمدتاً با نشانه‌های طبیعی	شکل‌گیری هویت ایمانی فردی
میانی	شش سوگند و هشداردهنده	حساب و جزا، تهدید کافران	تقویت عدالت و کنش‌گری اجتماعی
مدنی آغازین	یک نمونه و مؤکد	علم و قدرت خدا در تحقق قیامت	مشروعیت حکومت و عدالت اجتماعی
مدنی نهایی	فاقد سوگند معادمحور	باور نهادینه شده	استمرار هویت و مرزبندی امت اسلامی

این مراحل، نشان‌دهنده روش تحول عمومی و موضوعی در قرآن است که در هر موضوع، روندی تدریجی و پیوسته را دنبال می‌کند. باید توجه داشت که ملاک تمایز این مراحل چهارگانه از یکدیگر، رویکرد مسلط در هر مرحله است. رویکرد مسلط به این معناست که در مجموعه آیات هر مرحله، کدام مضمون محوری پدیدار شده است؛ به این معنا که از همه پرتکرارتر و پرتأکیدتر است. همچنین در یک مرحله، ممکن است آیه‌هایی وجود داشته باشد که با رویکرد مسلط همخوان نیست؛ به خصوص این مسئله را در سوره‌ها و آیه‌های انتهایی هر مرحله می‌توانیم مشاهده کنیم که در سوره‌های انتهایی هر مرحله قرار است جوانه‌های متعلق به مرحله بعدی ظاهر شود و به همین دلیل، آیه ممکن است حامل مضمون مرحله بعد از خود باشد (بهجت‌پور و نظریان، ۱۴۰۰، ص ۵۹-۶۰).

۶. سیر تحولی سوگندهای قرآنی در حیطه معاد

در این مرحله، به تفسیر سیر تحولی سوگندهای الهی به طور تدریجی پرداخته می‌شود:

۱-۶. مرحله اول

در نخستین سوره نازل شده، یعنی سوره علق، خداوند با معرفی خود به عنوان «رب» (پروردگار) و خالق انسان، ربوبیت خویش را تثبیت می‌کند (علق: ۱-۳). این ربوبیت، با عناصر خلقت، آموزش و کرامت پیوند می‌خورد و نشان‌دهنده نیاز بنیادین انسان به پروردگار است. اما برخی با نادیده گرفتن این نیاز، دچار طغیان می‌شوند. آیه «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» (علق: ۸) تهدیدی درباره بازگشت قطعی به سوی خداست که مفسرانی مانند علامه طباطبایی آن را اشاره‌ای به مرگ و قیامت دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۳۲۵ و بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۴).

در دومین سوره نازل شده، یعنی سوره قلم، نخستین سوگند قرآنی مطرح می‌شود: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» که در دفاع از پیامبر (ص) و در رد اتهام جنون به کار رفته است. همچنین در این سوره، به «عذاب اکبر» اشاره شده است تا اینکه اولین سوگند در موضوع معاد در سوره مدثر رخ می‌دهد.

جدول شماره یک دوره هویت یابی

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمایه
۱	مدثر	۴	هویت ایمانی	نه چنین است سوگند به ماه و سوگند به شب، چون روی در رفتن آرد، و سوگند به صبح، چون پرده برافکند، که این یکی از حادثه‌های بزرگ است، ترساننده آدمیان است (۳۲-۳۵).	تأکید بر حتمیت قیامت و عمومیت انذار برای همه انسان‌ها
۲	لیل	۹	هویت ایمانی	سوگند به شب، هنگامی که زمین را می‌پوشاند. سوگند به روز، هنگامی که زمین را روشن می‌کند. سوگند به آن خدایی که نر و ماده را آفرید. که تلاش شما متفاوت است... (۱-۱۰).	تبیین تفاوت سرنوشت اخروی انسان‌ها بر اساس تفاوت اعمال و نیت‌ها؛ دعوت به انفاق و خویشتن‌داری برای نجات در قیامت

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمایه
۳	ضحی	۱۱	هویت ایمانی	سوگند به آغاز روز، و سوگند به شب چون آرام و در خود شود، که پروردگارت تو را ترك نکرده و بر تو خشم نگرفته است. هرآینه آخرت برای تو بهتر از دنیا است. به زودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد تا خوشنود شوی (۱-۵).	بشارت به پاداش و نعمت‌های برتر اخروی و تسلی پیامبر، شامل وعده شفاعت و عطای بزرگ الهی در قیامت
۴	بروج	۲۷	هویت ایمانی	قسم به آسمان که دارنده برج‌هاست، و قسم به روز موعود، و قسم به شهادت‌دهنده و آنچه بدان شهادت دهند، که اصحاب اخدود به هلاکت رسیدند (۱-۴).	تأکید بر عدالت الهی در قیامت و یادآوری سرنوشت ستمگران، و تقویت ایمان و استقامت مؤمنان
۵	قیامت	۳۱	هویت ایمانی	نه، قسم می‌خورم به روز قیامت، و نه، قسم می‌خورم به وجدان ملامتگر، آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را نتوانیم جمع کنیم؟ بلی جمع می‌کنیم درحالی‌که قادریم که انگشتان او را بسازیم (۱-۴).	تأکید بر حیات دوباره و رستاخیز انسان، رد گمان جاهلان درباره عدم برانگیخته شدن اجساد و اثبات جزای اخروی
۶	مرسلات	۳۳	هویت ایمانی	سوگند به آن فرستاده‌شدگان پیاپی، پس به آن وزندگان سخت‌وزنده، و به آن پراکندگان سخت‌پراکنده، پس به آن جداکنندگان سخت جداکننده، پس به آن القاکنندگان ذکر، برای اتمام حجت نمودن یا بیم دادن، که آنچه وعده داده می‌شوید البته رخ‌دهنده است (۱-۷).	تأکید بر وقوع حتمی قیامت و ضرورت جزای الهی؛ سوگند به پدیده‌های طبیعی به عنوان دلیل بر تحقق معاد
۷	ق	۳۴	هویت ایمانی	قاف. قسم به این قرآن ارجمند، که در شگفت‌شدن از اینکه از میان خودشان بیم‌دهنده‌ای به سوی شان آمد و کافران گفتند: این چیزی عجیب است، آیا زمانی که مرديم و خاک شدیم دیگر بار زنده می‌شویم؟ این بازگشتی محال است (۱-۳).	پاسخ به انکار معاد و تأکید بر حیات دوباره و قدرت الهی در آفرینش؛ تقویت انگیزه اخلاقی و مسئولیت‌پذیری انسان‌ها

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمایه
۸	بلد	۳۵	هویت ایمانی	قسم به این شهر، و تو در این شهر سکنا گرفته‌ای و قسم به پدر و فرزندانی که پدید آورد، که آدمی را در رنج و محنت بیافریده‌ایم (۴-۱).	تأکید غیرمستقیم بر حتمیت حسابرسی و جزای اخروی؛ تثبیت باور به قیامت و تفکیک انسان‌ها بر اساس عملکرد
۹	طارق	۳۶	هویت ایمانی	سوگند به آسمان و به آنچه در شب آید، و تو چه دانی که آنچه در شب آید چیست؟ ستاره‌ای است درخشنده. هیچ‌کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است (۴-۱).	تأکید بر نظارت الهی بر انسان‌ها و ثبت اعمال؛ اثبات تلویحی وقوع قیامت و ضرورت جزای اخروی
۱۰	مریم	۴۴	هویت ایمانی	به پروردگارت قسم که حتماً کفار و شیاطین را جمع می‌کنیم، سپس به یقین آنها را در اطراف جهنم به‌زانو درآمده حاضر می‌کنیم (۶۸).	تأکید بر معاد جسمانی و زنده شدن کافران و شیاطین؛ اثبات ارتباط بین ربوبیت الهی و جزای اخروی
۱۱	یونس	۵۱	هویت ایمانی	از تو خبر می‌گیرند که آیا حق است؟ بگو: آری سوگند به پروردگارم که حق است و شمارا یارای فرار از آن نیست (۵۳)	تأکید بر تحقق قطعی قیامت و جزای اخروی؛ هشدار به منکران و اثبات قدرت الهی در اجرای عدالت در آخرت
۱۲	حجر	۵۴	هویت ایمانی	به پروردگارت سوگند که همه را بازخواست کنیم، به خاطر کارهایی که می‌کرده‌اند (۹۲-۹۳).	تأکید بر بازخواست همگانی و بررسی تمام اعمال انسان‌ها در قیامت؛ هشدار به کافران و تحریف‌گران وحی

روش تحول سوگند در مرحله اول

در مراحل اولیه نزول قرآن، سوگندها باهدف هویت‌سازی ایمانی و با استفاده از پدیده‌های محسوس و طبیعی آغاز شد. این سوگندها به صورت هدفمند، مخاطبان را از مشاهده نظم جهان، به پذیرش امکان معاد رهنمون می‌ساخت و پایه‌ای برای گذار از شرک به توحید فراهم می‌کرد.

در سوره مدثر «كَلَّا وَالْقَمَرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ * وَالصُّبْحِ إِذَا أَشْفَر * إِنَّهَا لَإِخْدَى الْكُبَرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ» (۳۲-۳۵)، خداوند به سه خلقت با عظمت ماه و شب و صبح سوگند یاد کرده است و در آیه ۳۵ می‌فرماید «إِنَّهَا لَإِخْدَى الْكُبَرِ». بعضی مرجع ضمیر را کلمه سقر می‌دانند که در آیه ۲۵ و ۲۶ ذکر شده است و در این صورت معنی آیه چنین خواهد بود: سوگند به ماه که سقر و دوزخ، یکی از

مصیبت‌های بزرگ است و سبب پند و اندرز و ترس آدمیان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۵۹۰ و فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۷۱۴).

یکی از گام‌های تحول‌آفرین قرآن در سوره مدثر، اعلام خطر و هشدار به مردم است. این هشدار آن قدر اهمیت دارد که در بسیاری از سوره‌های نازل شده پس از این سوره، به عنوان موضوعی محوری باقی مانده است. در سوره‌های ابتدایی نزول، پیامبر اکرم (ص) بیشتر به عنوان «منذر» (هشداردهنده) معرفی شده است نه بشارت‌دهنده (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۷۴). در مراحل اولیه دعوت اسلامی، قرآن با بیانی هشداردهنده، مفهوم معاد را به گونه‌ای اثرگذار تبیین می‌کند. این شیوه بیانی - با ارائه تصویری هولناک از عذاب قیامت به جای شرح مستقیم - وجدان خفته انسان را بیدار می‌کند و مخاطب را به تأمل وامی‌دارد.

آیه ۳۵ سوره مدثر («نَذِيرًا لِلْبَشَرِ») نشان می‌دهد که این هشدار، فراتر از مخاطبان عصر نزول، تمام انسان‌ها در طول تاریخ را دربرمی‌گیرد. بنابراین، مخاطب نهایی، همه انسان‌های مستعد غفلت از یاد خدا و حساب آخرت هستند و پیام هشدار آيات، جنبه عمومی دارد. موضوع معادی این بخش نیز تأکید بر قطعی بودن قیامت و هشدار نسبت به سرنوشت منکران است.

در سوره لیل: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى * وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى * وَ مَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى * إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى * فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى * وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى * وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى * وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى * فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى» (۱-۱۰)، خداوند به سه خلقت بزرگ سوگند می‌خورد و سپس به تفاوت تلاش‌ها و اعمال انسان‌ها اشاره می‌کند. ابن عباس می‌گوید: «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى» به معنای گوناگونی اعمال انسان‌هاست، برخی به بهشت و برخی به جهنم می‌روند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۵۹). گام تحول در این سوره، تعقیب راه رستگاری از طریق توصیه به خویشتن‌داری و انفاق مال به انگیزه‌های جلب نظر پروردگار است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۸۷). هدف اصلی این سوره، تهدید و هشدار به انسان‌هاست تا بدانند تلاش‌هایشان یکسان نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰۲). در سوره لیل، خداوند با سوگند به شب، روز و آفرینش نر و ماده، بر نظم هدفمند جهان تأکید می‌نماید و سپس با جمله «إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى»، تفاوت مسیرهای انسانی و نتایج متضاد آنها را مطرح می‌کند.

در سیر نزولی وحی، سوره لیل، مرحله‌ای پیشرفته‌تر از هشدار صرف است؛ زیرا پیام معاد را با تحلیل تربیتی و مسئولیت‌محور تلفیق می‌کند. به این ترتیب، معاد در این مرحله از قرآن، از ترس‌آفرینی ابتدایی، به محور اخلاقی و فردمحور تغییر جهت می‌یابد و سوگندها زمینه‌ساز فهم

تأثیر مستقیم اعمال و انتخاب‌های انسان بر سرنوشت اخروی او هستند. مخاطب آیات، عموم انسان‌ها هستند؛ زیرا پیام اصلی آن، تبیین دو مسیر کلی زندگی، راه احسان و تقوا در برابر راه بخل و تکذیب است. موضوع معادی آیات نیز تبیین نقش اعمال در تعیین سرنوشت اخروی است.

آیات سوره ضحی: «وَالضُّحَى * وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى * مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ * وَمَا قَلَى * وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى * وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (۱-۵)، در زمانی نازل شد که وحی برای مدتی قطع شده بود و مشرکان، پیامبر (ص) را مسخره می‌کردند. سوگندها به دو حالت اتصال و انقطاع وحی اشاره دارد و تأکید می‌کند که قطع وحی به معنای ترک پیامبر توسط خدا نیست (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۲۹). درواقع خداوند با سوگند به نعمت‌هایش، پیامبر را مورد تکریم قرار داده است. این سوگندها نشانه وعده‌ای عظیم در آخرت، یعنی مقام شفاعت کبری، هستند که بالاتر و برتر از نعمت‌های دنیوی است. هدف این سوگندها، تسلی قلب پیامبر (ص) و اعلام عطای بزرگ الهی در آخرت است (ملاحویش آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۵۳-۱۵۴). سوگندهای آرامش‌بخش، پیامبر را دلگرم، و قطع موقت وحی را حکیمانه تفسیر می‌کند. سوره ضحی با محوریت رحمت و امید، جان را برای آخرت آرام می‌کند و سوره لیل با محوریت عدل و حسابگری، دل را برای آخرت بیدار می‌نماید. مخاطب آیات، پیامبر (ص) است و موضوع معادی آن، وعده آینده‌ای بهتر در آخرت و رضایت پیامبر از طریق عطای شفاعت می‌باشد.

در سوره بروج: «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ * وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ * وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ * قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» (۱-۴)، خداوند به آسمان، روز موعود، شاهد و مشهود و قتل اصحاب اخدود سوگند یاد می‌کند. این سوگندها یادآور شکنجه‌های مشرکان بر مسلمانان است و بر عدالت الهی در قیامت تأکید دارد. هدف اصلی این آیات، تقویت ایمان و استقامت مؤمنان و هشدار به ستمگران است (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۱۲ و بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۵۰-۱۵۱). سوره بروج، در زمان اوج آزار مشرکان نازل شد تا روحیه مسلمانان را تقویت کند. این سوره با تأکید بر عدالت و نظارت مطلق الهی، و یادآوری سرنوشت اصحاب اخدود، وعده پیروزی مؤمنان و عذاب قطعی ستمگران را می‌دهد. نقش اصلی آن، انتقال گفتمان از ترس از معاد، به تسلی بخشی مؤمنان و تثبیت امید به نصرت الهی از طریق سوگندها و نمونه‌های تاریخی است. مخاطب اصلی، همه انسان‌ها در طول تاریخ هستند؛ البته با تأکید ویژه بر دو گروه مؤمنان تحت ستم (برای تسلی و تقویت روحیه) و ستمگران مستکبر (برای هشدار و انذار). موضوع معاد، بر قطعیت، حتمیت و عینیت یافتن عدالت الهی در قیامت تأکید می‌کند.

در سوره قیامت: «لَا أُفْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ * وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ * أَيْخَسِبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ * بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (۱-۴)، خداوند به روز قیامت و نفس لوامه (نفس سرزنشگر) سوگند یاد می‌کند. این سوگندها، بر حیات دوباره انسان و جمع شدن استخوان‌ها تأکید دارد (علیان‌نژادی، ۱۳۸۶، ص ۳۸۲). این آیات مقسم علیه، معاد را اثبات و گمان جاهلان را که می‌پنداشتند اجساد برانگیخته نمی‌شوند رد می‌کند (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۸۳). همچنین قول خداوند: «أَيْخَسِبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ»، دلیل بر جواب قسم است. آیه، جمله محذوفی دارد که آن را تفسیر می‌کند و تقدیر جواب «لنجمعن عظامکم و نبعثکم للحساب» (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۳۱۴). گام تحولی، بیان قدرت پروردگار بر احیای مجدد مردگان و اینکه حیات اخروی نمایانگر حکمت الهی در خلقت انسان است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۹۰). این سوگندها نسبت به سوره‌های پیشین، از نشانه‌های کیهانی و طبیعی به عناصر درونی انسان تحول یافته‌اند و نشان‌دهنده افزایش عمق و گستردگی تأکید بر معاد و عدالت الهی است.

در سوره قیامت، مخاطب اصلی، انسان تردیدکننده یا منکر معاد جسمانی است که با عبارت «أَيْخَسِبُ الْإِنْسَانُ...» مستقیماً مورد خطاب قرار می‌گیرد. موضوع محوری این آیات، اثبات قطعیت و امکان برانگیخته شدن دوباره انسان از طریق دو سوگند کلیدی است: سوگند به «یوم القيامة» (که خود غایت و وعده الهی است) و سوگند به «النَّفْسِ اللَّوَّامَةِ» (وجدان درونی گواه بر مسئولیت‌پذیری انسان). این دو سوگند، گام تحولی مهمی در مسیر تبیین معاد ایجاد می‌کنند؛ زیرا استدلال را از سطح هشدارهای ترس‌محور (در سوره‌های نخست)، به سطح برهان‌های عقلی و درونی ارتقا می‌دهند.

در سوره مرسلات: «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا * فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا * وَالتَّائِشَاتِ نَشْرًا * فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا * فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا * عُذْرًا أَوْ نَذْرًا * إِنْمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ» (۱-۷)، خداوند با مجموعه‌ای از سوگندهای متوالی به پدیده‌های ربوبی، بر وقوع حتمی قیامت تأکید می‌کند. این سوگندها نه تنها جنبه تأکیدی دارند؛ بلکه به تعبیر علامه طباطبایی، خود دلیل بر ضرورت قیامت‌اند؛ چراکه تحقق تکلیف الهی، بدون جزا، لغو است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۴۷). در این سوره، سوگندها پیچیده‌تر و غیبی‌تر می‌شوند و به باد، فرشتگان، آسمان و روز قیامت نیز سوگند یاد می‌شود. این مرحله، بیشتر بر هشدار به منکران معاد و تأکید بر قطعیت قیامت تمرکز دارد. این تحول، نشان‌دهنده رشد تدریجی مخاطب و عمق‌یابی پیام قرآن درباره معاد در بستر دعوت نبوی است. در سوره مرسلات، مخاطب اصلی، انسان منکر یا غافل از وقوع قیامت است و موضوع، اثبات ضرورت و حتمیت رخداد وعده‌های الهی (عذاب و پاداش)، و هشدار نسبت به نتیجه اعمال انسان‌ها می‌باشد.

در سوره ق: «ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ * بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ * إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ» (۱-۳)، با سوگند به حرف «ق» و «قرآن مجید»، پاسخ قرآن به انکار معاد توسط مشرکان ارائه می‌شود. قرآن به جای استدلال صرف عقلی، وجدان و فطرت مخاطب را مخاطب قرار می‌دهد و قدرت الهی در آفرینش را یادآور می‌شود. این سوره، نقش معاد را در ایجاد انگیزه اخلاقی و مسئولیت‌پذیری برجسته می‌سازد (شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۳۳۵۷-۳۳۵۸).
 باین حال، به تصریح بهجت‌پور، این سوره بیشتر در جهت دفع شبهات و راهنمایی پیامبر در مواجهه با منکران است و یک اصل تحولی مستقل به شمار نمی‌آید (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۴۸).

آیات آغازین سوره «ق»، به مسئله رستاخیز و انکار مشرکان نسبت به آن می‌پردازد. مشرکان، از پیامبری که از میان خودشان برخاسته است و آنان را به معاد دعوت می‌کند، تعجب می‌کنند. قرآن به جای ورود به بحث جدلی برای اثبات عقلی معاد، دل‌ها و وجدان‌های منحرف آنان را هدف قرار می‌دهد تا آنان را به تفکر وادارد و حقایق اطراف (مانند آفرینش آسمان، زمین و طبیعت) را یادآوری کند. مخاطب اصلی این آیات، مشرکان مکه و منکران معاد هستند که با تعجب و انکار، دعوت پیامبر (ص) به قیامت را به تمسخر گرفته‌اند. موضوع محوری این آیات، پاسخ قاطع به شبهه انکار معاد است، اما نه با برهان عقلی پیچیده، بلکه با تکیه بر دو اصل اساسی: نخست، عظمت و حقانیت خود قرآن (که با سوگند به آن تأکید می‌شود) و دوم، یادآوری قدرت مطلق الهی در آفرینش نخستین.

در سوره بلد: «لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَأَنْتَ حِلُّ بِهَذَا الْبَلَدِ * وَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ» (۱-۴)، با سوگند به مکه و شرایط سخت زیستن انسان، به صورت غیرمستقیمی، به حسابرسی و پاداش و جزا در قیامت اشاره می‌شود. گرچه واژه قیامت به شکل مستقیم و صریح نیامده است، اما معنای آیه به روشنی بر ضرورت جهان پس از مرگ و تفکیک انسان‌ها بر اساس عملکردشان دلالت دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۲۸۹). بهجت‌پور نیز این سوره را در راستای تثبیت باور به قیامت و پاسخ به شبهات در این زمینه ارزیابی می‌کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰). در سوره بلد، مخاطب مستقیم و اولیه، ساکنان و مخاطبان معاصر نزول در شهر مکه هستند؛ به‌ویژه آنانی که باوجود زندگی در حرم امن الهی، دعوت پیامبر (ص) و اصول دین را انکار می‌کنند. این موضوع، با خطاب «وَأَنْتَ حِلُّ بِهَذَا الْبَلَدِ» که اشاره به حضور و حق پیامبر (ص) در این شهر است، تأکید می‌شود. موضوع محوری آیات، تذکر به حقیقت رنج‌آلود و پرتلاش بودن زندگی دنیوی انسان («فِي كَبَدٍ») است که خود، دلیل ضمنی و فطری بر ضرورت وجود مرحله‌ای دیگر (معاد) برای تحقق عدالت و پاداش واقعی است.

در سوره طارق: «وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ * النَّجْمُ الثَّاقِبُ * إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» (۴-۱)، با سوگند به آسمان و «النجم الثاقب»، به قدرت خالق در تدبیر هستی و نظارت بر انسان‌ها اشاره می‌شود. آیه «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ» بر وجود نگهبانانی تأکید دارد که اعمال انسان را ثبت می‌کنند؛ بنابراین، ضرورت جزا و وقوع قیامت به صورت تلویحی اثبات می‌شود. این سوگند، علاوه بر تأکید، مبنای معرفتی وقوع قیامت را نیز ترسیم می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۳۲). سوگند به ستاره طارق و آسمان، نشانگر نظم دقیق و مراقبت دائمی خداوند است و بر قدرت الهی در بازآفرینی انسان و نظارت بر اعمال او در قیامت تأکید می‌کند. این سوگند به وضوح، عدالت کامل الهی در روز قیامت را به تصویر می‌کشد و بیان می‌کند که همان طور که در آسمان‌ها نظامی بی نقص برقرار است، عدالت در آخرت نیز دقیق و کامل اجرا خواهد شد. مخاطب اصلی آیات، انسان غافل از نظارت الهی و بی توجه به حساب و کیفر آخرت است. موضوع محوری این آیات نیز اثبات ضرورت قیامت از راه اثبات نظارت و ثبت دقیق تمام اعمال انسان است.

در سوره مریم: «فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا» (۶۸)، نخستین سوگند به ذات ربوبی مطرح می‌شود. این آیه، به معاد جسمانی و زنده شدن کافران و شیاطین در صحنه قیامت اشاره دارد. در اینجا انکار معاد، مساوی با انکار ربوبیت الهی تلقی می‌شود؛ چراکه انکار جزا، خدایی خداوند را بی معنا می‌کند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۸ و طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۴۰۸). آیات معاد، از اقناع، به تهدید ربوبی منتقل شده‌اند. در سوره طارق، سوگند به مخلوقات، برای اثبات معاد به کار رفته است؛ اما در سوره مریم، سوگند به ذات الهی نشان دهنده قاطعیت و هشدار به انکارکنندگان و ارتقای فهم ربوبیت است. قرآن با این سیر، معاد را از امکان، به ضرورت و پیامدهای انکار سوق می‌دهد. مخاطب اصلی آیه، منکران سرسخت معاد هستند که اصل زنده شدن و حسابرسی را انکار می‌کنند. موضوع محوری این آیه، اظهار قاطعیت قطعی و تخلف ناپذیر خداوند در برپایی قیامت است؛ به گونه‌ای که انکار آن، درواقع انکار ربوبیت الهی به شمار می‌رود.

در سوره یونس: «وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلُّ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» (۵۳)، پاسخ به تردید مشرکان درباره قیامت، با سوگند مستقیم پیامبر به پروردگار همراه است. این آیه، از مرحله بحث‌های مفهومی عبور کرده و وارد گفتمان نهایی هشدار و عذاب جاودان شده است. عذاب خلود، پاسخ قطعی به ظلم عقیدتی و عملی منکران است و تأکید می‌شود که آنان از قدرت الهی در این امر عاجز خواهند بود (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۱۵ و طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۲).

برخی کافران، تنها هنگام نزول عذاب الهی ایمان می‌آورند، اما این ایمان پذیرفته نیست؛ زیرا ایمان باید در شرایط عادی و با اختیار باشد. آیات ۵۱ و ۵۲ سوره یونس هشدار می‌دهند که ایمان

پس از عذاب، بی‌ارزش است و کافران باید عذاب ابدی آخرت را بچشند، درحالی‌که عذاب مؤمنان گنهگار، موقتی است. در آیه ۵۳، مشرکان مکه درباره حقیقت عذاب می‌پرسند و پیامبر با سوگند به خداوند، حقانیت آن را تأیید می‌کند. این سوگند، شیوه‌ای تربیتی و اقلناعی در قرآن است که تأکید بر واقعیت روز قیامت دارد. مخاطب مستقیم آیه، پیامبر اکرم (ص) است که از جانب مشرکان تردیدکننده و استهزاگر، درباره حقانیت قیامت مورد پرسش قرار گرفته است («يَسْتَيْئُونَكَ»). موضوع اصلی آیه نیز پاسخ قاطع، نهایی و غیر قابل مسامحه به این تردید است.

در سوره حجر: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (۹۲-۹۳)، آیات بیانگر حتمیت بازخواست همگانی در قیامت است. این آیات، پس از یادآوری نعمت قرآن و سوره حمد به پیامبر و توصیه به چهار دستور اخلاقی و دعوتی (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۶)، پیامبر را به انداز صریح کافران و هشدار درباره سرنوشت تحریفگران وحی مأمور می‌کند. فخرالدین رازی با استناد به آیه ۸۹ همان سوره، ضمیر در «لَنَسْأَلَنَّهُمْ» را ناظر به همه مکلفان می‌داند و بازخواست را نه برای کسب اطلاع، بلکه برای تفهیم زشتی اعمال و مجازاتی روانی توصیف می‌کند (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۹، ص ۱۶۴). همچنین تعبیر «عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ»، بر عمومیت پرسش نسبت به تمام اعمال آدمی دلالت دارد و تأویل آن به مسائلی همچون توحید یا عبادت مشرکان را بی‌دلیل می‌شمارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۳۹).

مخاطب نخست این آیات، پیامبر (ص) است، اما پیام آن، همه انسان‌های مکلف را دربرمی‌گیرد. محور اصلی آیات، اعلام حتمی و همگانی بودن بازخواست دقیق در قیامت است که با سوگند ربوبی («فَوَرَبِّكَ») تأکید شده است. این آیات گام تحولی مهمی است زیرا: الف) قطعیت سؤال همگانی را تصریح می‌کند؛ ب) هدف بازخواست را تفهیم زشتی اعمال و مواجهه روان‌شناختی می‌داند؛ ج) باتکیه بر سوگند ربوبی، سیر صعودی قطعیت معاد در قرآن را تکمیل می‌کند. در نتیجه، تصویری اجتناب‌ناپذیر و فراگیر از دادگاه قیامت ارائه می‌دهد که هم انداز نهایی است و هم تکمیل‌کننده استدلال‌های پیشین قرآن درباره معاد.

در مرحله اول رشد هویت ایمانی، سوگند‌های قرآنی در سوره‌های آغازین، مخاطب را از مشاهده نشانه‌های طبیعی، به تعقل درباره حیات پس از مرگ و جزای اخروی می‌رسانند و باور فردی به قیامت و نقش پیامبر به عنوان منذر تثبیت می‌شود. در سوره‌های میانی، سوگندها تفاوت سرنوشت انسان‌ها و ضرورت عدالت الهی را برجسته می‌کنند و انگیزه اخلاقی و خودکنترلی را در مخاطب تقویت می‌نمایند. در سوره‌های پایانی، تمرکز بر رسیدگی به اعمال و بازخواست همگانی است و عمومیت جزای اخروی و نظارت ربوبی الهی را نشان می‌دهد. این سیر تنزیلی، از تثبیت ایمان فردی تا ایجاد مسئولیت اخلاقی و شکل‌گیری هویت ایمانی و اجتماعی پیش می‌رود و

پیوند میان ربوبیت الهی و نظام جزای آخرت را آشکار می‌کند.

۲-۶. مرحله دوم

این مرحله، نقطه تثبیت و تعالی در فرایند معادباوری قرآنی است. در این مرحله، سوگندهای الهی از سطح پدیده‌های طبیعی فراتر می‌روند و بار دیگر به ذات ربوبی و همچنین مظاهری که نشان از تدبیر الهی است و نیز به ذات الهی خداوند تعلق می‌یابند. در این مرحله، استدلال به سطحی کیفی ارتقا می‌یابد. معیار مسلط در این مرحله، باوجود قسم به ربوبیت در مرحله اول، «تأکید بر پیوند گسست‌ناپذیر توحید ربوبی با حتمیت قیامت» است.

این تحول، گویای بلوغ ایمانی مخاطبان و توانایی درک ابعاد عمیق‌تر توحید و معاد است. در این مرحله، قیامت نه به‌عنوان رویدادی جداگانه، بلکه به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از نظام ربوبی و امتداد طبیعی آفرینش فهمیده می‌شود. این درک برای جامعه نوپای مؤمن، دارای کارکردی هویت‌ساز است و پابندی به وعده‌های الهی، انتظار پاداش اخروی و مقاومت در برابر فشارهای دشمنان را در پی دارد.

جدول شماره دو دوره قوت‌گیری

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمایه
۱	سبأ	۵۸	کنش‌گری اجتماعی	کافران گفتند: ما را قیامت نخواهد آمد. بگو: آری، به پروردگارم آن دانای غیب سوگند که شما را خواهد آمد. به قدر ذره‌ای یا کوچک‌تر از آن و یا بزرگ‌تر از آن در آسمان‌ها و زمین از خدا پنهان نیست، و همه در کتاب مبین آمده است تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند پاداش دهد. برای آنهاست آمرزش و رزقی نیکو (۳).	سوگند به ربوبیت الهی در پاسخ به انکار کافران برای تأکید بر حتمیت قیامت و نظام جزای اخروی؛ ترغیب مؤمنان به التزام اخلاقی و معنوی و هشدار به منکران معاد.
۲	ذاریات	۶۷	کنش‌گری اجتماعی	سوگند به بادهایی که خاک می‌پراکنند، سوگند به ابرهای گرانبار، سوگند به کشتی‌هایی که به آسانی روانند، و سوگند به فرشتگانی که تقسیم‌کننده کارهایند، که آنچه شما را وعده می‌دهند راست است، و روز جزا آمدنی است (۱-۶).	سوگند به نیروهای طبیعی و کیهانی برای اثبات حتمیت قیامت و دین (جزا)؛ تثبیت باور به معاد، پاسخ به انکار مشرکان و ایجاد انگیزه مسئولیت اخلاقی.

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمابه
۳	ذاریات	۶۷	کنش‌گری اجتماعی	قسم به پروردگار آسمان و زمین، که این وعده حق است همانند آنکه شما سخن می‌کنید (۲۳)	سوگند به رب السماوات والأرض برای تأکید بر صدق وعده‌های الهی و تحقق حتمی معاد؛ تثبیت باور به معاد و انگیزه دادن به مؤمنان برای پایبندی به عدالت و رفتار اخلاقی در جامعه.
۴	نحل	۷۰	کنش‌گری اجتماعی	و از آنچه روزی شان داده‌ایم، برای چیزهایی که نمی‌دانند چیست [یعنی بت‌ها]، سهمی قرار می‌دهند. به خدا سوگند از آنچه به دروغ می‌بافته‌اید بازخواست خواهید شد (۵۶).	سوگند به ذات الهی برای تأکید بر بازخواست قطعی اعمال مشرکان؛ پیوند باور به معاد با مسئولیت اخلاقی و مقابله با شرک نظری و عملی در سیر تربیتی قرآن.
۵	طور	۷۶	کنش‌گری اجتماعی	قسم به کوه طور، و قسم به کتاب نوشته شده در صفحه‌ای گشاده، و قسم به بیت المعمور، و قسم به این سقف برافراشته، و قسم به دریای مالا مال، که عذاب پروردگار واقع شدنی است و آن را دفع‌کننده‌ای نیست (۸-۱).	سوگند به مظاهر طبیعی، مکان‌های مقدس و نمادهای معنوی برای تأکید بر حقایق قیامت و وقوع حتمی عذاب الهی؛ تثبیت باور به معاد، نمایش ربوبیت خداوند و ترغیب مخاطب به تفکر و تعمق در نشانه‌های الهی.
۶	نازعات	۸۱	کنش‌گری اجتماعی	سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به قوت می‌گیرند، و سوگند به فرشتگانی که جان‌ها را به آسانی می‌گیرند، و سوگند به فرشتگانی که شناورند، و سوگند به فرشتگانی که بر دیوان پیشی می‌گیرند، و سوگند به آنها که تدبیر کارها می‌کنند (۵-۱).	سوگند به افعال فرشتگان برای تأکید بر حتمیت قیامت و نظارت الهی؛ تثبیت باور به معاد و انگیزه دادن به مؤمنان برای پایبندی به عدالت و رفتار اخلاقی در جامعه.

روش تحولی سوگند در مرحله دوم

باتوجه به معیار مسلط در این مرحله، قرآن با پیوند دادن توحید ربوبی به حتمیت قیامت، معاد را به عنوان ضرورتی ذاتی برای پروردگاری خداوند اثبات می‌کند. سوگندهای الهی در سوره‌های این دوره (از سبا تا نازعات) با تأکید بر علم مطلق خداوند، حاکمیت بر آسمان‌ها و زمین، و قدرت آفرینش، نشان می‌دهند که قیامت، پیامد اجتناب‌ناپذیر و منطقی پروردگاری است و انکار آن به معنای انکار خود ربوبیت الهی است.

در سوره سبأ: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ... فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ * لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا» (۳)، در برابر انکار مشرکان، خداوند پیامبر را مأمور می‌سازد که به ربوبیت خود قسم یاد کند و حتمیت قیامت را با علم غیب خود تأیید نماید. این آیه، نقش معاد را در نظام جزا برجسته می‌سازد (امین، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۲۶۸). این آیه، پاسخی قاطع به انکار معاد است و قیامت را مقصودی و حکیمانه معرفی می‌کند. با تأکید بر جزا و پاداش اعمال، مؤمنان در این مرحله ایمانی، تشویق به التزام اخلاقی و معنوی می‌شوند و درعین حال، منکران از پیامدهای ترک عمل صالح هشدار می‌گیرند. آیه به طور همزمان، ترغیب مؤمنان و تهدید منکران را محقق می‌کند. مخاطب اصلی این آیات، منکران قطعی قیامت هستند. خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد تا با سوگند به پروردگارش، حتمیت آمدن قیامت را که در علم غیب الهی ثبت شده است اعلام کند و هدف آن را برپایی نظام کامل جزا بیان نماید.

فرق اصلی این آیه با دو آیه قبلی در این است که سوگند ربوبی، از اثبات وقوع و حقانیت به سوی تبیین حکمت و هدف حرکت می‌کند. این آیه، قیامت را از یک تهدید بیرونی، به یک وعده درونی و بخشی ضروری از هویت مؤمن تبدیل می‌کند و نشان می‌دهد نظام ربوبی خدا، بی‌هدف و بی‌پایان نیست.

در سوره ذاریات: «وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا * فَالْحَامِلَاتِ وُجُوهًا * فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا * فَالْمُقَسَّمَاتِ أَمْرًا * إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ * وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ» (۱-۶)، با سوگند به نیروهای طبیعی و کیهانی، وقوع قیامت و دین (جزا) به عنوان واقعیتی راستین تثبیت می‌شود. این سوگندها پاسخی به انکار مشرکان است که با انکار معاد، در پی تضعیف توحید و نبوت بودند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۴۹). این سوره، با سوگند به مظاهر آفرینش، به مقابله با انکار معاد می‌پردازد، اما رویکرد آن اثبات مستقیم معاد نیست؛ بلکه با پیوند دادن ضرورت معاد به توحید ربوبی، استدلال می‌کند که وعده قیامت از سوی خداوند یگانه که رب جهانیان است قطعاً راست و تحقق‌پذیر است. این روش، انکار معاد را هم‌عرض با انکار توحید و نبوت قرار می‌دهد و راه هرگونه گریز فکری را بر منکران می‌بندد.

در سوره ذاریات، آیه «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ» (۲۳)، حقانیت معاد و دیگر آموزه‌های غیبی، به اندازه بدیهی بودن ناطق بودن انسان تأکید می‌شود (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵، ص ۶۵؛ طوسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۸۵). مخاطب آیه، عموم انسان‌ها هستند و موضوع آن، اثبات وقوع قیامت و حتمیت وعده الهی است.

در سوره نحل: «يَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَغْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لُتْسَلْتُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَقْتُرُونَ» (۵۶)، خداوند به خود سوگند می‌خورد که مشرکان درباره افترای خود (شریک قرار دادن برای خدا)، در

آخرت بازخواست خواهند شد. این تهدید سوگندآمیز، بر مسئولیت‌پذیری در قیامت دلالت دارد (طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۶۵ و زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۲). این آیه با تأکید بر علم مطلق خداوند و بازخواست قطعی اعمال در قیامت، سیر تربیتی قرآن را از اثبات ربوبیت و معاد، به مسئولیت‌پذیری اخلاقی هدایت می‌کند. محور هشدار آیه، مقابله با شرک ربوبی است و نشان می‌دهد که قرآن با پیوند دادن شرک نظری به مسئولیت عملی انسان‌ها، ریشه‌های اعتقادی انحراف را اصلاح می‌کند. مخاطب آیه، همه انسان‌ها به‌ویژه مشرکان است و موضوع آن هشدار و بازخواست در قیامت به خاطر افترای شریک قرار دادن برای خدا می‌باشد. این سوگند الهی تأکید می‌کند که اعمال انسان‌ها تحت نظارت کامل خداوند است و مسئولیت اخلاقی در قیامت قطعی خواهد بود. محور اصلی آیه، مقابله با شرک ربوبی و اصلاح ریشه‌های اعتقادی انحراف است.

در سوره طور: «الطُّورِ * وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ * فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ * وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ * وَالسَّجْفِ الْمَرْفُوعِ * وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ * إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ * مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ» (۸-۱)، پنج سوگند اسرارآمیز برای تأکید بر قطعی بودن عذاب قیامت آمده است. این آیات، بر حتمیت رستاخیز و انکارناپذیری عذاب تأکید می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۴۰۹ و آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۰). این سوگندها نشان‌دهنده ارتباط عمیق میان جهان آفرینش، وحی و معاد هستند و دعوتی برای تفکر و تأمل در نشانه‌های الهی به شمار می‌روند. خطاب اولیه به مشرکان مکه است، امام پیام و هشدار آن، خطاب به تمام «اصحاب تکذیب» در همه زمان‌هاست و موضوع اصلی آیات، تأکید بر قطعیت و گریزناپذیری عذاب الهی است.

در سوره نازعات: «وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا * فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا» (۵-۱)، با سوگند به افعال فرشتگان، وقوع حتمی بعث، حشر و حساب در قیامت به صورت ضمنی بیان می‌شود. مفسران بر این معنا اجماع دارند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۶۹۳ و طوسی، بی‌تا، ج ۲۶، ص ۲۶۹). سوگند به فرشتگان در قرآن، ابزار الهی برای تأکید بر حتمیت قیامت و نظارت دقیق خداوند بر اعمال انسان‌هاست. فرشتگان نقش فعال خود را هم به‌عنوان ناظران مستمر اعمال و هم مجریان امر الهی در روز حسابرسی ایفا می‌کنند. سیر تحول این سوگندها از تأکید بر پدیده‌های طبیعی به مسائل اخلاقی و سپس اجرای قیامت، بر قطعیت قیامت و مسئولیت انسان در برابر اعمال وی تأکید می‌کند. مخاطب اصلی، عموم انسان‌ها، اعم از مؤمن و منکر هستند. موضوع محوری این آیات، تثبیت حتمیت وقوع قیامت با تمام مراحل اجرایی آن (بعث، حشر و حساب) است.

سوگندها ابعاد گوناگون معاد را در پیوند با ربوبیت الهی تبیین می‌کنند: از علم و عدالت خداوند در «سبأ» تا تدبیر ربوبی در «ذاریات»، بازخواست اخلاقی در «نحل»، حتمیت عذاب در «طور» و اجرای قیامت به دست فرشتگان در «نازعات». بدین‌سان قیامت به‌عنوان جلوه‌ای از نظام جزا و عدالت ربوبی معرفی می‌شود.

بنابراین، تناسب اصلی میان سوگندها و معاد در این است که هر سوگند، وجهی از تجلی ربوبیت الهی را نشان می‌دهد: علم، قدرت، عدالت و تدبیر الهی؛ و بر اساس همین صفات، قیامت، ضرورتی منطقی و تربیتی در نظام الهی معرفی می‌شود. درمجموع، این سوگندها جامعه ایمانی را از مرحله ایمان نظری به مرحله تعهد اخلاقی و هویت ربوبی سوق می‌دهند.

۳-۶. مرحله سوم

در این مرحله از پیام معاد (یعنی دوره‌ای که قرآن با لحنی قاطع، با تأکیدهای چندلایه، معاد را به‌عنوان یک حقیقت قطعی و انکارناپذیر مطرح می‌کند)، جامعه اسلامی از مرحله تثبیت عبور کرده است و وارد مرحله الگوسازی و تمایز هویتی می‌شود.

جدول شماره سه دوره غلیظ شدن

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	ترجمه آیه	نمایه
۱	تغابن	۱۱۰	تشکیل جامعه و حکومت اسلامی	کافران پنداشتند که آنها را زنده نمی‌کنند. بگو: آری! به پروردگارم سوگند که شما را زنده می‌کنند تا به کارهایی که کرده‌اید آگاه سازند. و این بر خدا آسان است (۷).	سوگند به ربوبیت خداوند برای تأکید بر حتمیت بعث و حسابرسی اعمال؛ تثبیت باور به معاد، مرزگذاری میان مؤمن و کافر و تقویت ایمان اجتماعی به‌منظور شکل‌دهی جامعه ایمانی الگویی و اخلاق‌محور.

روش تحولی سوگند در دوره سوم

در مرحله مدنی، سوگندهای قرآنی از بُعد صرفاً اعتقادی، به کارکردی اجتماعی و هویتی ارتقا می‌یابند. معاد دیگر تنها یک باور فردی نیست؛ بلکه به سازه‌ای جمعی و پشتوانه‌ای برای مشروعیت جامعه و حکومت اسلامی تبدیل می‌شود. لحن سوگندها قاطع و تهدیدآمیز است، با تأکید بر مسئولیت انسان و پیوند مستقیم اعمال دنیوی با سرنوشت اخروی. این تحول، نشان‌دهنده حرکت گفتمان قرآنی از اثبات واقعات به‌سوی هشدار، تعهد و استقرار عدالت الهی در عرصه اجتماع است.

۴-۶. مرحله چهارم

در مراحل پایانی دعوت پیامبر اکرم ﷺ، جامعه اسلامی وارد مرحله‌ای جدید شد. در این دوره، با تثبیت پایه‌های اعتقادی، اخلاقی و حکومتی دین اسلام، مخاطبان قرآن، دیگر نه مشرکان منکر معاد، بلکه مسلمانان، اهل کتاب، و منافقانی هستند که در برابر اجرای اجتماعی دین موضع‌گیری دارند.

جدول شماره چهار دوره استقلال

ردیف	سوره	نزول سوره	مرحله نزول	نمایه
۱	مائده	۱۱۳	توسعه و گسترش دعوت اسلامی	تمرکز بر احکام عملی و التزام به دستورات دینی، تثبیت رفتار اجتماعی و اخلاقی جامعه ایمانی و هدایت عملی در سیر تربیتی قرآن بدون تأکید مستقیم بر اثبات معاد یا دعوت اولیه.
۲	توبه	۱۱۴	توسعه و گسترش دعوت اسلامی	لحن قاطع و اتمام حجت با حذف بسم‌الله برای مخاطبان مؤمن، اهل کتاب و منافقان عهدشکن؛ تمرکز بر تثبیت اجرای اجتماعی دین، مرزبندی اخلاقی و حکومتی، و تأکید بر التزام عملی جامعه ایمانی در این دوره و بلوغ اجتماعی.

روش تحولی سوگند در دوره چهارم

در این دوره، قرآن وارد فضای پس از اثبات شده است و دیگر نیازی به سوگند برای پذیرش معاد نمی‌بیند. حذف سوگند در این مرحله، نه نشانه ضعف موضوع، بلکه علامت استواری کامل عقیده، عبور از مرحله تردید، و آغاز نظم‌دهی جامعه ایمانی بر پایه آن باورهاست. این مرحله، بالاترین نقطه تحول سوگندهای قرآنی است.

در این مرحله، لحن قرآن از اقناع و استدلال، به فرمان‌دهی و تهدید تغییر می‌کند و معاد در قالب پاداش، عذاب و حسابرسی، نقشی عملی و نظام‌ساز در احکام اجتماعی می‌یابد. این تحول، نشانگر بلوغ کامل هویت دینی و سیاسی امت اسلامی است که از مرحله اثبات عبور کرده و وارد فضای اجرای احکام و تثبیت مواضع نهایی شده است.

نتیجه‌گیری

سیر تحولی سوگندهای قرآنی در پیوند با معاد، بازتاب یک روند تربیتی، معرفتی و اجتماعی است که متناسب با مراحل گوناگون دعوت نبوی، ساختار و لحن متفاوتی به خود گرفته است. در مراحل ابتدایی، مخاطب با جهان طبیعی روبه‌رو می‌شود تا از رهگذر تأمل در آفرینش، به امکان حیات پس از مرگ پی ببرد. در مرحله «هویت ایمانی»، سوگندها نه فقط جنبه اثباتی دارند؛ بلکه در خدمت شکل‌گیری مرز ایمانی و تمایز جامعه مؤمن از منکر قرار می‌گیرند. مرحله «کنش‌گری اجتماعی»، معاد را به عنوان بستر اجرای عدالت الهی معرفی می‌کند و مسئولیت فردی را در کانون توجه قرار می‌دهد. در مرحله «تشکیل جامعه و حکومت اسلامی»، که هم‌زمان با تشکیل جامعه دینی در مدینه است، سوگندها صراحت و شدت بیشتری می‌یابد و معاد به عنوان امری حتمی و پایه عدالت اجتماعی، تثبیت می‌شود. در مرحله پایانی، یعنی «توسعه و گسترش دعوت اسلامی»، با شکل‌گیری نظام اسلامی و تثبیت اصول ایمان، نیازی به سوگند برای اثبات معاد باقی نمی‌ماند؛ چراکه جامعه مخاطب به بلوغ عقیدتی رسیده و خطابات قرآنی، ناظر بر اجرا و تمیز صفوف است، نه اثبات اصول.

این روند نشان می‌دهد سوگندهای قرآنی، ابزارهایی هدفمند، متناسب با نیازهای تربیتی و موقعیت تاریخی مخاطب‌اند که از تأمل در طبیعت آغاز و به تثبیت عدالت اخروی در متن جامعه اسلامی منتهی می‌شوند.

فهرست منابع

۱. ابن عاشور، محمد طاهر؛ **تحریر و التنویر**؛ چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو؛ **تفسیر القرآن العظیم**؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ق.
۳. امین، نصرت بیگم؛ **مخزن العرفان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، اصفهان: انجمن حمایت از خانواده‌های بی سرپرست اصفهان، ۱۳۶۱ش.
۴. آلوسی، محمود؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**؛ تحقیق: علی عبدالباری عطیه؛ چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۵. بابایی، علی اکبر؛ **تفسیر و المفسران**؛ چاپ اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۱ش.
۶. بازرگان، مهدی؛ **پا به پای وحی (تفسیر تدبری قرآن بر حسب نزول)**؛ تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، بی تا.
۷. بهجت پور، عبدالکریم؛ **تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)**؛ مبانی، اصول، قواعد و فواید؛ چاپ چهارم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۹ش.
۸. -----؛ **شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن**؛ چاپ اول، قم: تمهید، ۱۳۹۴ش.
۹. -----؛ **همگام با وحی؛ تفسیر تنزیلی**؛ چاپ اول، قم: تمهید، ۱۳۹۰ش.
۱۰. بهجت پور، عبدالکریم و نظریان، رضا؛ «روش تحول خانواده در قرآن خوانش تنزیلی»؛ **قرآن پژوهی**، سال اول، ش ۱، پاییز، ۱۴۰۰ش.
۱۱. ثقفی تهرانی، محمد؛ **تفسیر روان جاوید**؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ش.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**؛ تحقیق: صفوان عدنان داودی؛ چاپ اول، دمشق - بیروت: دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۱۳. زمخشری، جارالله؛ **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**؛ چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر؛ **گزیده سیمای عقاید شیعه**؛ چاپ اول، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۷الف.
۱۵. -----؛ **معادشناسی**؛ چاپ چهارم، قم: دار الفکر، ۱۳۸۷ب.
۱۶. شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم؛ **فی ظلال القرآن**؛ چاپ هفدهم، بیروت - قاهره: دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
۱۷. شاکر، محمد کاظم؛ «تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت»؛ **پژوهش‌های قرآنی**، سال شانزدهم، ش ۶۲-۶۳، تابستان و پاییز، ۱۳۸۹ش.

۱۸. صادقی تهرانی، محمد؛ **البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن**؛ چاپ اول، قم: مؤلف، ۱۴۱۹ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ مقدمه: محمد جواد بلاغی؛ بی چا، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن؛ **التبیان فی تفسیر القرآن**؛ تحقیق و مقدمه: شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی؛ بی چا، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۲. علیان نژادی، ابوالقاسم؛ **سوگندهای پر بار قرآن**؛ چاپ دوم، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۸۶ش.
۲۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر؛ **مفاتیح الغیب**؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ **العین**؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ش.
۲۶. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر؛ **بیان المعانی**؛ چاپ اول، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۲۷. میبیدی، محمد فاکر؛ **تحلیلی بر سوگندهای قرآن**؛ چاپ اول، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۸۱ش.